احیای هویت اسلامی و ایدئولوژی تمامیت طلب آمریکایی

اعظم ملایی

دکتری روابط بین الملل: مدرس دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهربانو (نویسنده، منطقه)

مجد کافی

دانشجو دکتری روابط بین الملل دانشگاه تهران

تاریخ دریافت: 2/۲/۱۳۹۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۴/۲۲

چکیده

در این مقاله روبروی سیاست داخلی و خارجی ایالات متحده به احیای هویت اسلامی و رشد خودآگاهی و کنشگری جوامع اسلامی به عنوان اصل ترین جایگزین محتمل برای نظام جهانی موجودی، مورد نقد و بررسی قرار گرفته است. در این راستا نویسندگان ابتدا بستر نظری مناسب را با استفاده از مبانی مذهب اسلامی اجتماعی و با تأکید بر عوامل و منابع فرهنگی، ارزش و هنری فراهم می‌کنند و سپس با تشریح وضعیت اسلام در ایالات متحده آمریکا به آسیب‌شناسی و نقد سیاست‌گذاری داخلی آن کشور می‌پردازند. در پخش بعدی مقاله، گرایش‌ها و اهداف سیاست خارجی آمریکا در مورد احیای هویت اسلامی در خاورمیانه بررسی می‌شود. به ویژه اینکه امکان‌های راهبرد سیاست‌گذاری ایالات متحده در مقابل کشورهای اسلامی، مبارزه با آموزه اسلام سیاسی و جلوگیری از خودآگاهی ارزش‌های فرهنگی اسلامی ایالت است. به‌طور کلی، نویسندگان معتقدند که نیازمندی به احیای هولناکی اسلامی در ایالات متحده است.

مراجع

1. Azam.Molaee@gmail.com
2. Majid.Kafi@outlook.com
مقدمه

رابطه میان اسلام و آمریکا ارتباطی چنددهدی و تاریخی است. از یک سو، رشد یافته اسلام و مسلمانان را می‌توان از آغازین سال‌های کشف قاره آمریکا تا وقوع امواج چندگانه مهاجرت مسلمانان به این کشور رهبری کرد. از سوی دیگر، با تمرکز گرفتن ایالات متحده در جایگاه ابرقدرت و بعدها قدرت هژمون، سرفصلی جدید در تعامل سیاست‌گذاریان این کشور در قبال اسلام و ملتهای مسلمان گشوده شد که تاکنون ادامه پافته است. اسلام از جمله ادبیات ایالات که طی سال‌های اخیر با وجود همه حوادث و اتفاقات رخ داده، رشد چشم‌گیری در ایالات متحده آمریکا داشته است. همچنین با کاهش تعداد پیران بیشتر ادیان، روزبه‌روز بر تعداد مسلمانان آمریکایی افزوده می‌شود. در عین حال، مسلمانان ساکن ایالات متحده هر چند با مقياس جمعیت، اقلیتی کاملاً شناخته‌شده‌اند. از نفوذ و اثرگذاری شیعیان در عرصه سیاست عمومی آمریکا برخوردار نیستند. در عرصه روابط خارجی نیز هرچند رویارویی آمریکا و اسلام، مداوم از این سو و آن سو اکنون شود، به یک واکنش تأثیرگذار بر تحولات منطقه خاورمیانه و حتی جهان بدل شده است.

این مقاله در صدد است تا با بررسی رویکرد مقامات آمریکا نسبت به اسلام به تصویری کلی از سیاست‌گذاری آمریکایی در دو بعد داخلی و خارجی در قبال هویت اسلامی و نقش عوامل و ملاحظات گوناگون در آن دست پیدا کند. در این راستا، بر وجه فرآیند متعارض هویت اسلامی و ایدئولوژی (های) آمریکایی سیاست بین‌الملل تأکید می‌شود. با این حال، سؤالی که پرچش حاضر در صدد پاسخ‌گویی به آن بر آمده از آن قرار است که «به‌خیال سیاست‌گذار آمریکایی در دو عرصه داخلی و خارجی چه سیاست‌هایی در قبال احیای فرهنگ و هویت اسلامی اتخاذ کرده‌اند؟» در پاسخ به سؤال کلیدی فوق این فرضیه مطرح شده است که سیاست داخلی و خارجی ایالات متحده در برای احیای هویت اسلامی یک راهبرد معضوه‌جویانه برای تضمین بقا نظام کنونی است.

نتیجه‌گیری دقیق توجه ایست که پرچش‌هایی که تا حال در مورد روابط غرب و آمریکا نسبت به اسلام و هویت اسلامی انجام گرفته‌اند، دچار یک تناقض درونی هستند: اینکه اسلام مفهومی به‌جایی و دارای مصالح متفاوت است که در فرآیند پرچش‌هایی علمی می‌توان به هر پیشن با جنبه‌ای از آن پرداخت، جای تردد ندارد، اما مشکل اینجاست که در بیشتر منابع موجود، اسلام با روابطی تقلید گرایانه به‌پیوسته‌ای سیاسی فرآیندهای شده و به ابعاد
فرهنگی، اجتماعی، هویتی، ارزشی و هنری آن کمتر توجه شده است. از سوی دیگر، نظریه‌های سنتی‌ای که تا به حال برای تحلیل تعلیم اسلام در بیان کردن گرایش‌های اسلامی به این دسته از نظریات دولت‌ها به عنوان بازیگر اصلی (بی‌نتای بازیگر) عرضه سیاست‌بندی مسلمانان تأثیرگذار تا در تحلیل محاسبه می‌شوند. از این رو، برای این نظریه لازم برای تحلیل مفاهیم اسلام و اسلام‌گرایی به عنوان یک دین با جنبش‌های اجتماعی در این گونه پژوهش وجود ندارد. افزون بر این، دیدگاه‌های خریدگر ما علیه اینکه بعیدی بوده و با محور قرار دانسته و قدرت و در نهایت اقتصاد، به ابعادی نظری فرهنگی، ارزشی و هنری که ارکان اساسی درک از اسلام و هویت اسلامی مسلمان، نمی‌پذیرند.

در این پژوهش نشان می‌شود تا با استفاده از چارچوب مفاهیم سازمان‌گاری و توجه به ابعاد مختلف موضوع پژوهش به بررسی رویکرد ایالات متحده نسبت به هویت اسلامی در داخل و خارج از این کشور پرداخته شود. بروز انجام این امر ابتدای نظر نسبت به سازمانی در روابط بین ایالات به عنوان مفهومی تشریح نشان داده شد. پس از آن، طی دور بخش ابتدای روابط سیاست‌گذاران ایالات متحده نسبت به مسلمانان داخل این کشور و سیاست خارجی این کشور در قبال احیای هویت اسلامی مورد بحث قرار گرفت.

تمهید نظری

هرچند در اردوی سازمان‌گران گرایش‌های مختلفی دیده می‌شود، هم‌آن‌دان دست کم در مورد سه گروه اصلی هستی‌شسانه‌ی اتفاق نظر دارند. نخستین اینکه سازمان‌گران بر آنند که ساختارهای هنری یا فکری مند ساختارهای مادی اهمیت دارند. استدلال سازمان‌های این است که ساختارهای مادی را از طریق ساختار مشترکی که در آن جای گرفته‌اند، برای کمک انسانی می‌تواند می‌کند. آنها ساختارهای هنری و فکری را شامل دهنده هویت‌های اجتماعی کشش گرایان سیاسی می‌دانند. دوم اینکه، سازمان‌گران معتقدند فهم ایبکه ساختارهای غیرمردمی چگونه هویت‌های کشش گران را مشروط می‌کنند ضرورت دارد. خردگرایان معتقدند که منافع کشش گران بمشکلی برزند تغییر می‌شود؛ نویاف گرایی و تولید بالا توجه به این نتایج که کنن ترجمه‌هایی از کجای می‌آیند و فقط به این می‌پردازند که چگونه کشش گران به شکلی راهبردی منافع خود را دنبال می‌کنند.
اما سازمان‌های ضمن تأکید بر چگونگی تبیین شکل‌گیری منافع، هویت‌های اجتماعی افراد پی دوله‌ها را در کانون توجه قرار می‌دهند. سومین اینکه سازمان‌های اعدا می‌کنند کارگران و ساختارها به‌شکلی متقابل به یکدیگر قوام می‌بخشند. ساختارها و توانده هوریت ها و منافع کشی‌گران را مشروط کند، اما اگر رهویه‌ای قابل شناخت آن کشی‌گران نبود، این ساختارها دیگر وجود نداشتند (قلم، 1384: 233).

سازمان‌های اهمیت خاصی برای تأثیرگذاری ایده‌ها و افکار قائلند. در حالی که نویافت‌گران بر ساختار مادي موازه قدرت نظامی، و مارکسمیست‌ها بر ساختار مادي اقتصاد جهانی سرمایه‌داری تأکید می‌کنند. سازمان‌های استادمی کنند که ایجاده، باورها و ارزش‌های مشترک نیز دارای ویژگی‌های ساختاری هستند و نفوذ مؤثری بر کنش‌های اجتماعی و سیاسی دارند. از این دیدگاه، آنچه که ساختار اجتماعی بشری را شکل می‌دهد ایده‌ها و باور‌های مشترک است و هنگامی که این نیازهای مادي و از طریق این باورهای مشترک است که هوریت و منافع بازاری‌گان به‌وجود می‌آید (کمی، 1383: 137). بنابراین برتری واقعیت خارجی در مدل‌های مادي گرا منجر به این دیدگاه می‌گردد که امیدی با تهیه و توسعه به اقدامات قهرآمیز حفظ می‌شود، در حالی که ماهیت درونی واقعیت در مدل‌های اجتماعی، به‌ست بر ارتباط بین هنجارهای دو طرف تأکید می‌کند (ویرین، 2002: 11).

یکی از ابتداییات سازمان‌گرایی این است که تفسیری از «سیاست هوریت» به‌دست می‌دهد و از این طریق، راهی باید شناخت این جدایی پیش‌نهاده می‌کند که چگونه شکل‌گیری، قومیت، نژاد، جنسیت، مذهب و سایر هم‌سازی‌های بین‌اشتهایی، یک به یک، در تفسیر سیاست‌های جهانی نقش دارند. درک اینکه چگونه هوریت‌ها ساخته می‌شوند، چه هنجارها و رویه‌های با بازتویید آنها همراه است و اینکه چگونه یکدیگر را می‌سازند نیز، بخش مهمی از برنامه پژوهشی سازمان‌گرایی را تشکیل می‌دهد (هابلی، 1998: 185).

و یکی دیگر این مکتب توجه به سطح تحلیل خرد است. از دیدگاه مکاتب سنتی، تمام دولتها در سیاست جهانی دارای یک هوریت هستند. از این منظر، هوریت دولتها امروی پیشینی و دولتها، موضوعی ثابت و هم‌شیکیان اند که دارای منافع مشخص، از پیش معلوم و همانند هستند. اما در نظریه سازمان‌گرایی، ضمن تأکید بر یکی گزینه ساختگی و نهادی مفهوم دولته، هوریت آن به عنوان مسند چهره شاخصی با روان‌شناسی، بلکه امروی رابطه‌ای تلقی می‌شود که به‌وسیله تعامل بازاری‌گران با یکدیگر از طریق مشارکت در معانی جمعی

*Salmon, Shmaro, 1392*
و از درون یک دنیای اجتماعی تكوین یافته پدیده آید و تغییر می کند (کرمی، ۱۳۸۳:۱۴۶). به طور مثال، هم نویسی اغلب و هم نویسی‌های سازمانی تصمیم‌گیری دولتی را شیب به جمعه سیاسی ساده می بینند که تصمیمات در آن تولید می شود، اما سازمان‌های معتقدند که این جمعه، دستگاهی بهتری که از اهرم‌ها و چرخ‌دهنده‌های سیاسی در ناحیه اقتصاد، دستگاه‌های وابسته و نیروهای

بروی نیز برای تأثیرگذاری بر آن سیاست‌ها طراحی دادند (بخشی، ۲۰۰۲:۲۶). به این ترتیب، سازمان‌های که ارائه تصویری مناسب بر پارک‌ها، ارزش‌ها و هنرها، امکان تحلیل موضوع پژوهش حاضر را فراهم می‌آورند. این مکتب با عنایت به روابط ب制造商 به دولت، زمینه را برای بررسی جامعه‌شناسان و تاریخی موضوع مقاله فراهم می‌کند. از این مطالعات و از گروه‌های اصلی، سازمان‌ها و بخش‌های ویژه خود که از توجه به تعاملات بین تئوری فراخوان و امکان تحلیل نقش اسکناس در یک گروه را می‌سازد. راه را برای ترسیم و تشریح سیاست‌های خارجی آمریکا در مقاله احیای هویت اسلامی به عنوان یک جنگ اجتماعی - سیاسی فرامی یک می‌باشد. باید به اینکه رویکرد اجتماعی سازمان‌گزاری تئوری‌های این سیاست به طور همزمان توان تحلیل مباحث جامعه‌شناسی داخلی و پویاپایه‌های سیاسی و فرامی در عرصه روابط بین الملل را دارد، برای کاربرد موضوع پژوهش حاضر، بهترین گردیده به شمار می‌رود.

سیاست‌های داخلی آمریکا در قبال اسلام و مسلمانان

در سال ۱۹۵۴ از سوی وزارت امور خارجه آمریکا در مراسم افتتاح مسجدی در واشنگتن شرکت کرد. به اسلام با عنوان دینی عجیب و به مسلمانان به جمله بیگانه‌نگری، می شک و هیچ شناسی از یک اجتماع مبتنی بر اسلام در بین محافل سیاسی آمریکا وجود نداشت. این وضعیت تا چهار دهه بعد، زمانی که در کاخ سفید از سیاست‌های ملی آمریکا به سیاست‌ها اساساً پیروی از مهم در کشور، از عیوب "کلسیسها، کنسکسها و مساجد" استفاده کرد و پس از آن کلمه "مسلمانان" را به "مسیحیان و یهودیان" به عنوان جوامع مذبوح در آمریکا فعالیت می کند، اضافه نمود (حنیف، ۱۳۷۸:۲۷). افراشته جمعیت مسلمانان در آمریکا و به‌ویژه نفوذ و گسترش این دین در بین
الاقیمت‌های جمعیتی در طی این سال‌ها، حقیقتی انکارنشدنی است. گسترش این طبقه جدید سبب شده است تا روزبه‌روز جاگاهی مستحکمتر در جامعه آمریکا پیدا کند. به طوری که به عقیده بسیاری، اسلام به خصوصی از جامعه و فرهنگ ایالات متحده تبدیل شده است و روزبه‌روز هم بی‌درنگ می‌باشد گسترش آن افزوده می‌شود (گرین، ۱۳۸۵: ۱۴). نظرسنجی انجام شده توسط پروژه MAPS نشان داده‌گاه جورج تاون، منبع جالبی برای بررسی وضعیت سیاسی و اجتماعی مسلمانان آمریکا است. ۱ در پاسخ به یکی از سوالات این نظرسنجی، حدود ۷۷ درصد پرسش‌شوندگان اظهار کردند که با سازمان‌های خیریه برای کمک به افراد پیر، فقیر و بیمار در ارتباط هستند. ۷۱ درصد در برنامه‌های جوانان و مدارس شرکت کرده‌اند. ۵۱ درصد پرسش‌شوندگان نیز تماشا خود را برای فعالیت بیشتر در عرصه مطبوعاتی و اطلاع‌رسانی اعلام داشته و به فعالیت در این زمینه مشغول شده‌اند (احمدی، ۱۳۸۵: ۳۳). این بررسی نشان می‌دهد که جامعه مسلمانان آمریکا، در حال پشت سر گذاشتن بحران هویت خود به شکلی عمل گیرانه است. این جامعه در حال گذر از ترکیب، انزوا، بحران هویت و ترس بوده و به مرحله مشارکت مدنی، تعامل با رسانه‌ها و دیگر وسایل افکارسازی و از همه مهمتر به مرحله سازمان‌سازی گام نهاده است. 

افراش تعداد مسلمانان در خاک آمریکا به تدریج به شکل گبری نهادها و سازمان‌های اسلامی برای تعیین اعتقادات و هویت اسلامی کمک کرد. این پیش‌بینی جوین انقلاب اسلامی ایران، تجاوز اسرائیل به لبنان، راهبردهای نیکوکار توسط آمریکا و پاک کتاب آیات شیعیان نیز به رشد سازمان‌های اسلامی در آمریکا مدت رساند. به گونه‌ای که اینک تعداد نهادهای اسلامی در این کشور به بیش از ۲۳۰۰ مؤسسه افراش یافته است. به همین نسبت، انتقاد محدودیت و تعرض به مسلمانان در جامعه آمریکا روز به افزایش گذاشته است (آشنایی با گروه‌ها و...، ۱۳۸۷: ۴۵).

با وجود اینکه در حال حاضر مسلمانان بومی و مهاجر یک اقلیت کاملً ثابت‌شد و شناخته‌شده در آمریکا هستند، اما همچنان با مشکلات متعددی در این کشور دست و پنجه نرم می‌کنند. حضور و فعالیت اجتماعی این گروه به شماری از عرصه‌های خاص محدود

1. برای دیدن نتایج کامل این نظرسنجی، نک: احمدی، بهزاد (۱۳۸۵). آمریکایی‌های مسلمان، یک گروه جدید. شماره، ۹۷-۱۹۸.
شده و در بخش‌های مؤثر سیاسی و راهبردی کشور از حضور و اثری در آنان خبری نیست. از سوی دیگر، هنجارها و ارزش‌های عمومی جامعه و فرهنگ آمریکا، مسلمانان را چونان غربی‌های ناشنا درک و معرفی می‌کند. در نتیجه، مسلمانان این کشور حتی برای تجربه موفقیت‌های شخصی و کاری به ناجار مجزورند تا حدی از هیفت خود به عنوان یک مسلمان دور شده و به تعیین شماش شناسانهٔ [آمریکایی خوب] که ریشه‌ها نظیر عربی‌تبار در هستی شناسی چریان اصلی سیاست و سیاست بین‌المللی رد به‌ویژه شوند.

اینکه چرا مسلمانان بخلاف اکثر گروه‌های مهاجر و اقلیت، در فرهنگ عمومی آمریکایی جذب نشده و به عنوان یک خرده فرهنگی مشکوک نگریسته می‌شوند، نیازمند یک بررسی جامعه‌شناسی به رویکرد فرهنگی و اجتماعی است (عمری گلستانی و قادی، 1391: 8). بنظر می‌رسد بیش از هر چیز، این نگرش طبقه نخبگان حاکم در ایالت‌های منطقه است که مانع نقش افروینی مسلمانان در سطح بالای می‌شود. ارژش‌ها و هنگام‌هایی که ذهنیت آمریکایی از سیاست را بر داشته است مشترکه به سبب فردگرایی، مادی گرافی و لیبرالیسم است. ریشه‌های تاریخی این سازه فرهنگی ـ اجتماعی از یک سو در مسیحیت و به‌ویژه سنت بروتستانت است. از سوی دیگر، ساکنان ایالت‌های منطقه نوادگان عصر روشنگری و مدرنیته در اروپا هستند که غابت آن، توسعه و پیشرفت اقتصادی و نتیجه آن، سیاست‌های توسعه‌طلبانه و استعماری بود (عمری و حسینی، 1391: 49). اما فرهنگ و هویت اسلامی با هر سه این آموزه‌ها ناسازگار است. مسلمانان ارزی جمع‌گرایی را در توجه به سطح تحلیل کلان «تارع» می‌بینند و آن را در صفحه نام جمع‌آوری مساوی عصر مکث نیستند. آنها مادی گرافی را با استناد به آیات قرآن و سیره پیامبر اکرم (ص) مردود دانسته و تبلور توجه به معاد را در اتفاق، زکات، خمس و دیگر واجبات شرعی می‌بندند. مسلمانان موارد محرمات را چون حساری برای آزادی تلقی کرده و آزادی باشد و نباید همین را به فردی و گروهی که نقص دینی می‌دانند، از این گذشتند که مسلمانان باید مطلوب و جامعه آرامیوی یک مسلمان رضایت‌نامه با ایندکس‌های پایان تاریخ و مروجوی لیرال آن فاصله دارد. از این رو، ناخشنودی نخبگان حاکم در ایالت منطقه است رشد و تعمیق فرهنگ اصولی اسلامی در آن سرزمین، و جریان‌های آرام‌ها و هنگام‌های که هدف و رهیس‌های منفی‌وار بی‌پایان‌های عقیدتی آنان دارد، قابل کنترل نیست. مهم‌ترین اثراتی که برای تقویت هویت دینی و افزایش نقش افروینی مسلمانان آمریکا پیش روی آن را غیرقاب می‌گرفته است عبارتند از:
1. ناگاهی و سوءتفاوت نسبت به اسلام: برغم توسعه و گسترش اسلام، بیشتر آمریکایی‌ها از اطلاعات درباره اسلام ندارند یا میزان اطلاعات آنها بسیار کم بوده و آنچه درباره اسلام می‌دانند مجموعه‌ای از مطالب غیرواقعی است. منبع اصلی این تصور نادرست درباره دین اسلام، مطالب ضداسلامی در جراید، مطبوعات و رسانه‌های ایالات متحده است. در این رسانه‌ها یک تلاش ضمینی وجود دارد که اسلام را به عنوان یک دین سطح‌جو و خشن جلوه دهد (سیف جمالی، 1387: 188).

اگرچه فقه‌ی می‌شود که در حال حاضر سرعت گسترش اسلام در آمریکایی بیش از دیگران ادیان است، باز هم اثر و تفویض مسلمانان در فرهنگ آمریکایی بسیار کم است. مسلمانان با افزایش عمومی را در چنین جامعه‌ای که بالا با تغییرمسکو مسیحی و آینه‌هایه و ایست، به‌سوی دین اسلام جلب کنند. در حالی که بزرگ‌ترین مانع تبلیغ اسلام در آمریکا تصور منفی اجتماعی درباره اسلام به عنوان نابودکننده تبدیل غرب است. طبق بررسی‌های جدیدی اذعان اسلامی آمریکایی، میزان حمایت غیرمسلمانان از دین اسلام درصد بوده است که از میزان مخالفت با دیگر ادیان یعنی 34 درصد بوده است (سیف جمالی، 1387: 180).

مهمترین عامل بدین بیانی آمریکایی‌ها نسبت به اسلام از واقع خارجی‌ها ناشی می‌شود. رسانه‌های غرب نمی‌توانند واقعیت مجرمانه را به اسلام و مسلمانان نسبت می‌دهند، که آین اسلام و مسلمانان را به عنوان تاییدکننده هر فاجعه در هر نقطه جهان جلوه می‌دهند. در این زمینه، مسلمانان بیشترین ضرره را از حادثه 11 سپتامبر خورشیدان (داعی‌ها) 1389 به‌روش‌ها و همه کسانی که به‌گونه‌ای با اسلام دچار مشکل هستند، بی‌آتاکه صدای مخالفان شدنی‌ها شود و به بهانه دفاع از حقوق بشر مسلمانان فشار افزایش می‌دهند. اکنون مسلمانان می‌گویند بر این نظر زیر فشارهای مختلف قرار گرفته‌اند، بسیاری از آنان به سپی پرسی از میهن مسلمانان می‌گویند به دفاع از حقوق بشر و حقوق دولت اسلام و مسلمانان بر حذر می‌دارند این باعث می‌شود برخی از مطلب‌ها و مطالب اسلامی و انسانی روزنامه‌نگاران به‌وکالت برداشته‌اند. این یک اثر برجسته‌ای از عدم آگاهی و نابهدا درباره اسلام، مسلمانان و اقوال آنها به آنها یادگیری است.
از فعالیت‌های طبیعی آموزشی، فرهنگی و اجتماعی بوده است. حتی روابط عادی مسلمانان با غیرمسلمانان در کشورهای غربی با مشکل‌جذب روبه‌رو شده است و بی‌گمان سال‌ها طول می‌کشد تا وضع به حال عادی باز گردد.

۲. فقدان نمایندگی سیاسی و سیاست‌برداری مسلمانان: دموکراسی موجود در آمریکا به مسلمانان و مهاجرین مسلمان این اجازه را می‌دهد که شعاع و مناسک دینی خود را با آزادی انجام دهند. آنها از آزادی سیاسی در حق رأی و انتخاب نمایندگان کنگره و ریاست جمهوری بهره می‌برند. با وجود این، نمی‌توان زندگی مسلمانان آمریکا را خالی از هرج و مرجعیت و مانع دانست. به رغم رشد روزافزون جمعیت، سطح نمایندگی فرهنگی و اجتماعی مسلمانان در ایالات متحده بسیار پایین است، به نحوی که هیچ‌یک از اعضای کنگره یا شهرداران، مسلمان نیستند و این در حالی است که در میان مسلمانان آمریکا شخصیت‌های معروفی مانند محمدعلی کلی (بوکسور) و کریم عبدالجبار (قهرمان سبکبال)

نیز وجود دارند (رشید، ۱۳۷۸: ۲۸). جامعه مسلمانان آمریکا جامعه جوانی است که از نظر سطح سواد و سطح درآمد بالاتر از میانگین ملی قرار دارد. سه چهارم (۷۵ درصد) مسلمانان ایالات متحده کمتر از ۵۰ سال سن دارند، ۵۸ درصد مسلمانان از تحصیلات عالی بروخوردارند (دو برابر میانگین ملی) و نیمی از آنان (۵۰ درصد) از درآمدها بخشی از ۵۰ هزار دلار بروخوردارند (احمدي، ۱۳۸۵: ۳۷). با این حال، همان‌طور که جدول ۱ نشان می‌دهد، اگرچه مسلمانان در مشاغلی که پرداخت، مهندسی، ساخت، خرید و فروش و غیره حضور فعال دارند، در عرصه سیاسی عمومی (مشتمل بر مشاغلی چون روزنامه‌نگاری، نویسنگی، بازیگری، گویندگی و غیره)، فعالیت‌های جندانی ندارند. علاوه بر این، مسلمانان در عرصه قضایی ایالات متحده نیز حضور فعالی ندارند. شناسایی بتوان یکی از دلالات نفوذ بیشتر لابی صهیونیسم در جامعه سیاسی ایالات متحده و افکار عمومی این کشور را به این ضعف حضور نسبت داد.
جدول شماره ۱- توزیع مشاغل در جامعه مسلمان ایالات متحده

<table>
<thead>
<tr>
<th>شغل لوکس</th>
<th>درصد پراکندگی</th>
<th>شغل لوکس</th>
<th>درصد پراکندگی</th>
</tr>
</thead>
<tbody>
<tr>
<td>مدیریت</td>
<td>۱۲</td>
<td>تویید</td>
<td>۱۰</td>
</tr>
<tr>
<td>پزشکی</td>
<td>۸</td>
<td>دانشجو</td>
<td>۲۲</td>
</tr>
<tr>
<td>فنی/مهندسی</td>
<td>۵</td>
<td>بان نشته</td>
<td>۱۰</td>
</tr>
<tr>
<td>وکیل/قاضی</td>
<td>۷</td>
<td>فروش</td>
<td>۱۰</td>
</tr>
<tr>
<td>خدمات</td>
<td>۴</td>
<td>ساختمان</td>
<td>۱۰</td>
</tr>
<tr>
<td>غیر مشاغل</td>
<td>۹</td>
<td>روانشناس</td>
<td>۱۰</td>
</tr>
</tbody>
</table>

میانگین: (امضاء، ۱۳۸۵: ۳۴)

افزون بر این، مسلمانان مطبوعات مستقل و صاحب نفوذ نیز ندارند. در میان صدها انجمه فعال اسلامی، تنها یکی از آنها روزنامه‌سازی دارد که آن هم مورد توجه و استقبال مردم نیست. مسلمانان صرفاً در شهرهایی که دارای جمعیت زیادی هستند، روزنامه محلی دارند که با توجه به تراز محدود توان رقابت با روزنامه‌های آمریکایی ندارند. تنها رسانه‌هایی که توسعه این اکثریت از مسلمانان ارائه بهند و شبکه خریدر است که برنامه‌های آن بین‌ندها زیادی پیدا کرده است (هارون، ۱۳۸۷: ۲۷).

۲. مورد تبعیض قرار گرفتن در قبیل با یهودیان: این مسئله کمالاً آشکار است که مسلمانان و یهودیان آمریکایی در اقتصاد و سیاست از موقعیت بخشانی برخوردار نیستند. یهودیان در کنگره، نمایندگان و سخنگویانش، از امکانات لازم برای حصول این بالا دانشگاهی بهره می‌ندند، در فعالیت‌های انتخابی، در رسانه‌های گروهی، در مؤسسات آموزش عالی و در فراگرد و فرآیند سیاسی کشور از موقعیت بالاتری برخوردارند (آشنایی با گروه‌ها و...، ۱۳۸۷: ۵۸).

یکی از برنامه‌های سیاست‌مداران اسلامی و علمای متعصب غربی تلاش برای جداگانه

اسلام از ادیان مسیحی و یهودی است. آنان اعلام می‌کنند که اسلام آنی به یک دم دو دین است و با میراث آنها ارتباط ندارد. در تحقیقات و مطالعات دینی که توسط آمریکاییان صورت گرفته و می‌گرد، استعمال مکرر کلمه «یهودی مسیحی» در توضیح
ادیان آسمانی یک هدف عمده دارد و آن منزوی کردن اسلام و جدا کردن آن از سایر ادیان الهی است. ماموریت دولتی آمریکا با این کار و اقدامات مشابه دیگر سعی دارند مسلمانان و پیروان ادیان دیگر را از جامعه چندانی که چندملیتی آمریکا طرد نمایند (احمدی، 1385: 32).

تبدیلی نیست که تلاش بسیاری برای تحریف و بدل جلوه دادن چهره اسلام در آمریکا خصوصاً از جنب گروههای بهوی، صهیونیست و یهودیان آمریکا هم‌اکنون به بهانهای مختلف مورد اهتمام قرار می‌گیرند. (رشید، 1378: 38) علاوه بر این، تطبیق و هم‌ناپی و راهبردی سیاست‌های خارجی کلان ایالات متحده و اسرائیل در این ارتباط مؤثر بوده است. با این حال، نمی‌توان تمام تفاوت‌هایی را که اکنون بین مسلمانان آمریکا و یهودیان در میزان تأثیر گذاری بر روندهای سیاسی و راهبردی وجود دارد به توطئه‌های یهودیان نسبت داد. مسئله اصلی اینجاست که هنگام برای ارتشی بهویندیت و مسیحیت (با عبارت بهتر، روایت تحریف‌شده این دو دین) با یکدیگر صلیب‌گاری بیشتری دارد. از این رو، گروه‌ها و افراد مغضوب در مسئله بازی سیاسی و سیاست گذاری آمریکا از این تفاوت‌های فرهنگی و هویتی به عنوان ابزار برای ایجاد تصویر "خودی - غیرخودی" و پیگیری جلوه دادن مسلمانان سوی استفاده کرده و آن را توجیه برای تبعیض‌های پنهان و آشکار شان نسبت به اسلام و مسلمانان می‌دانند.

سیاست خارجی

از آغاز پیدایش اسلام، غرب هم‌نوازی متاثر از اسلام بوده است، اما بررسی و مطالعه جوامع اسلامی از ناحیه وسطی و در مطالعات سیاسی و فکری مربوط به این مدت در همه این مطالعات اسلام همیشه عنصری بیگانه و عامل تهدید ترسیم شده است، از این رو در روح و جان اغلب غربی ترس ناشی از خشونت مسلمانان موج می‌زند. این نگرانی‌ها پس از پایان جنگ سرد با روسیه و آغاز جنگ سرد غرب با مسلمانان، تشکیل شده است و به همین دلیل در نگاه غربی‌ها، اسلام هم‌نوازی مانعی در برابر ملی‌گرای مدرن در بالکان و...

1. برای بررسی بخشی از برنامه‌های پژوهشی مراکز مطالعاتی آمریکایی که مورد اسلام در حال حاضر نیست که روحانی محمد حسنی (1383)، "مطالعات اسلامی اسلامی و سیاسی اسلامی در خانه‌های ایالات متحده آمریکا"، مجله شیعه‌شناسی شماره 5.
جامه‌ی دیگر به شمار می‌آید و مقاومت مسلمانان در برای استعمار، نوعی تعصب مذهبی و سیاسی قلمداد می‌شود. دولت‌های مغرب‌زمین طی چند قرن اخیر نگران بی‌ثباتی در سرزمین‌های اسلامی بوده‌اند. ملی‌گرایی ایرانی، اسلام‌گرایی ایرانی، احتمال تحريم مجدد شدیدترین خطر، گروگان‌گیری اتباع غربی، انعطاف‌ناپذیری مسلمانان نباید از مقابله غرب، ظهور اسلام سیاسی، نفوذ انقلاب اسلامی و اقدامات ترویجی از عوامل نگرانی دانیل غرب از سرزمین‌های اسلامی و مسلمانان هستند و در مذاکرات نسبت به اسلام و مسلمانان تجعلی می‌دهند. این برداشت‌های تاریخی در ترس و خشم تجلی کرده است (فوسر و نسر، 1384: 23).

بررسی سیاست خارجی آمریکا به عنوان میانجی قدرت‌های سلسله‌گری غرب در قبال جهان اسلام طی دهه‌های اخیر نشان می‌دهد که تجزیه و انشکنگ با کشورهای اسلامی، در چارچوب هزمونی جهانی این کشور در طی سال‌های جنگ سرد و پس از آن شکل‌گرفته است. به دیگر سوخن، تجزیه و انشکنگ ایالات متحد به ملل مسلمان بخش‌بخشی از راهبرد گستردگی جهانی این کشور برای مصلاح راه‌پیمایی داشته‌اند. مسلمانان بالقوه و تقویت قدرت خود در جهان است. این روز، محو مسلمانی سیاست خارجی‌نامه‌ای آمریکا را توسیع قدرت هزمونیک آن تشکیل می‌دهد (بردن، 2008: 44) آمریکا در مسیر تحقق نقشه‌ای وسیع و برناماری برای پیروی شده برای ثبت هزمونی چیست که از دهه پنجم آغاز نموده. نهایی ایدئولوژی به‌وسیله «دانل بل» اولین گام در این مسیر بود. «فوکوپاما» در آغاز دهه نود دو میلیون گام را برداشت. از در صد توجه علمی جهان گیری آمریکا به طریق نظامی برآمد و اعلام کرد که رمز حرکت تاریخ جنگ است و نه صلح. در سال بعد هالینگتون با کمال صراحت از جنگ تمدید نهایی یک واقعیت پیش رو سخن گفت (پژوهش، 1383: 406). اینها شماری از مجموعه نمایش‌های دنبال‌دار برای معروف لیبرال‌سم به عنوان مکتب پیروز و توریزه کردن مقابله با اسلام به‌عنوان یک هموار محتمل است.

1. Daniel Bell. 2. Francis Fukuyama. 3. Samuel P. Huntington.
به نظر می‌رسد دولت آمریکا برای حفظ تسلط بر خاورمیانه، به عنوان مهمترین گام در راستای تسلط بر جهان و اجرای استراتژی تکفیلی کردن جهان، به دنبال اجرای یک راهبرد مس رو به سو است. سه هدفی که اصول سیاست خارجی آمریکا را در پیامد اسلام و کشورهای اسلامی تشکیل می‌دهد عبارتند از:

1. تسلط بر مراکز نفت و دولت‌های صاحب نفت برای تأمین هزینه‌های سلطه جهانی خود و جلوگیری از قدرت دولت‌های صادق‌کننده نفت.

2. تأمین امنیت و سیاست اسرائیل و صهیونیسم بر خاورمیانه که بخشی از سیاست مشترک جهانی آمریکا است.

3. مهار و یا انحراف اسلام سیاسی و کنترل جنبش‌های اسلامی برای جلوگیری از نفوذ این جریان به خارج از منطقه خاورمیانه (منصورية، 1383: 33).

همان‌طور که پیش از این گفته شد، بر اساس مبانی تفکر سیاساتگرانه، این تنا منابع و اهداف مادی نیستند که واجد اهمیت‌اند. این به جهتی، فرهنگی، ارزش‌ها و هنجارها که تلقیش اصلی را در قدرت و ضعف کشورها ایفا کرده و با ترکیب و جهت‌دهی به عوامل مادی، تعیین کننده پیروز میدان سیاست خواهند بود. از این رو، منظور می‌رسد که مهم‌ترین و جهت راهبرد سیاست گذرانه‌ای ایالات متحده در پیامد کشورهای اسلامی، مبادره با آموزه‌های اسلام سیاسی، جلوگیری از خودآگاهی ارزشی - هنگامی مسلمانان و تعقیب هویت دینی آنان است.

خودآگاهی هویتی مستقیم فهم رایج از نقش خشونت و خاموش مذهب در سیاست و اخلاق آن را هدف قرار می‌دهد و برای نشان دادن و بنیان‌گذاری نظام جدید در تضاد با جهان‌نیشی مادی و سلطه‌گرایی آرامگاه اسلام به منظور مقابله با سلطه فرهنگی و ارزش‌گرایی غرب و احیای فرهنگی و ارزش‌های دینی - توحیدی تلاش می‌کند. ناگفته پیداست که نقض گرفتن این تفکر و نهادی‌های شدن هنگامی آن چه جنبش عظیمی در نفی هنگامی و قواعد کنونی مسلط بر جهان به راه خواهد انداخت. به این ترتیب، هرچند نمی‌توان از اهمیت دو عامل خشکسم چشم‌پوشی کنیم، با این گفت که نقش اساسی را در این روابط عوامل فرهنگی - اجتماعی به‌عنوان دارند و به‌همین سبب، شکست ایالات متحده در مقابله با اسلام سیاسی منجر به شکست در هر دو هدف دیگر نیز خواهد شد.

در رابطه با اسلام و اسلام‌گرایی در بین سیاست‌گذاران آمریکایی، دو گروه عمده وجود...
دارد: تقابل گرایان و سازش گرایان. نظر تقابل گرایان این است که در جهان جدید، منبع اصولی تعارض، ایدئولوژی اقتصادی نخواهد بود. بلکه رویارویی تمامها سیاست جهانی را تحت شرایط قرار خواهد داد. بر اساس نظر ساموئل هانتینگتون، تفاوت و اختلاف بین جهان غرب با اعراب و مسلمانان به جنگ خلیفه فارس در 1991 منجر شد. از نظر گرایه این گروه، اسلام به‌شکل یک تهدید پس از جنگ سرد، جانشین کمونیسم شد. آنها معتقدند غرب با ید به این نکته توجه داشتند باشد که ممکن است گرایت اسلامی جایگزین بیشه ابدها و عقاید شود. آنان به آمریکا توصیه می‌کنند که نیابت بر کشورهای خاورمیانه که جزء متحدین آمریکا هستند در اجرای حقوق بشر، فشار وارد کرد زیرا فشار بر کشورهای موافق آمریکا باعث به قدرت رسیدن اسلام گرایان واقعی می‌گردد (خیاری، 2002: 21).

سازش گرایان معتقدند اسلام کاملاً ضدغرب رینست، بلکه گروه‌های کوچکی از آن ترویج و ضدغرب هستند. در واقع، اکثریت اسلام گرایان، میانه و هستند و نشانه‌هایی از دموکراسی و انعطاف‌پذیری در آنها مشاهده می‌شود. سازش گرایان، بر این نکته تأکید دارند که افساز سلام‌های حفظهای در خاورمیانه توسط آمریکا، به دلیل کنترل نفت و به دست آورده انتقل ساختارهای است که نتیجه اسلام گرایان. می‌کنند توصیه‌های این گروه به سیاست‌های آمریکا، برخورد مسلمان‌آمیز و عدم مقابله مستقیم با برنامه‌های اسلام گرایان است. آنها عقیده دارند آمریکا باید از دموکراسی اسلامی طرفداری کند. طبق نظر این گروه، اسلام گرایان واقعی در چارچوب سیاست، فعالیت صلح آمیز دارند و حساب این گروه را با ید از اسلام گرایان افراطی جدا کرد؛ زیرا این عمل باعث می‌شود منافع آمریکا در منطقه ثبت شود و از بین نرود (خیاری، 2002: 23).

نامه بازر تحقیق تقابل گرایی در عرصه سیاست خارجی آمریکا، دولت نوویزبان کار جرج بوش بود. دولت بوش با سوءاستفاده از حوادث 11 سپتامبر 2001 به کشورهای عمل کرد که نشان داد ماه اول سیاست در قلب ترویسیم به جنگ آمریکا آمد است. این ابتدا از وروستی به جنگ صلحی خبر داد و آن‌گاه انگلیسی اند هیولا مسلمانان و گروه‌های اسلامی کرد. عملکرد بعدی دولت او در سه‌شاخ نظامی، سیاسی و تبلیغاتی نشان داد که اتخاذ سیاست نظامی گری، فصلی تظییم شده از پرونده تغییر در نظام جهانی برای ارائه نقش و موقعیت آمریکا به عنوان تنها برقدت باقیمانده از جنگ سرد است (محمدی، 1382: 182).

به نظر می‌رسد طی راههای اخیر، سیاست خارجی دولت‌های دموکرات آمریکا نیز که
قرار است روبروی سازگاری گرایانه داشته باشند، بر مبنای تقابل و تضاد با اسلام - البته با تفاوتی تاکتیکی - شکل گرفته است. کلیه‌نامه در ۱۹۹۴ در مجلس اردن گفت: «در خاورمیانه رقابت بین استادان، آزادی، وحقت، امنیت و ... مبارزه‌ای قدیمی است». از جمله از اسلام نزدیک. کلیه‌نامه همچنین عقب‌الهانی داشته جنگ خاورمیانه ربطی به اسلام ندارد بلکه افرادی هستند که خود را در رقابت الفاظ مذهبی و ملی قرار می‌دهند، در صورتی که به اسلام متعلق هستند. نه ملی. او اسلام سنتی را قبول داشت و می‌گفت که اسلام خوانده‌ها را پاک نه ملی دارد و چون سیاسی نیست، برای آمریکا هم خطری ندارد و ما با اسلام سنتی به‌صورت مسلمت آمیزی رفتار می‌کنیم (جرجیس، ۱۳۸۴: ۱۱۷). دوست اوباما نیز دقیقاً از همین سیاست ریاکاران پروری می‌کند. ساختاری‌های احترام آمیز اوباما در مورد اسلام و مسلمین در فرهنگ و اندونزی صرفاً تعیین موضعی از اسلام می‌شود. دولت مردان آمریکا معتقدند که با باید اسلام سنتی را از اسلام فعال و مبارز جو جدا کرد. اگر با اینکه خوب می‌دانند اسلام دینی تأثیر گذار در فرهنگ جهانی است و از تعلیم آزادی بخشان آگاه، اما آن را به قسمت تفکر می‌کند: باید سنتی بی خطر و بعد افزایش و سرکوب گر (جرجیس، ۱۳۸۴: ۱۱۷). تلاش برای معرفی ترکیه به عنوان گروهی کشورهای اسلامی در چارچوب همین سیاست انجام می‌شود. سیاست مداران غربی همواره با نگرش خاص به هویت اسلامی نگریسته و در یپ تبلیغ همین دیدگاه تغییر نظرانه، یکسوسنگرانه و مغرضانه هستند. ویزگی‌های این روبه‌روی از این قرار است: اول آنکه، از دنبال اسلام و مسلمانان از جمله گروه‌های اسلام، گروه‌های نمونه‌ای تأثیری نمی‌گذارند، ایستا و غیره‌پس از آنها می‌شود به یک می‌خورد و تعاملی با دنبال‌های دورانی دارد. گروهی اسلام و فرهنگ اسلامی باید آماده است که فارغ از شرایط اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و بشری به حقّی خود ادامه دهد. دوم آنکه، اسلام را به‌عنوان برخورد از پیگ‌های دانشی و جوهری، دشمن دموکراتیک، نوگرایی، آزادی و پیوستگی معرفی می‌کنند. در حقیقت باید دیده اسلام گروهی، دیگری غرب تلقید می‌شود که همواره با آن در گسترش و توسعه است. پس اسلام و اسلام گرایان نمی‌توانند با ارزش‌های دنبال یکنون هم‌باز شوند. سوم آنکه، وانمود می‌شود که خوش‌ناتی طبیعی و خط مشی مبارزه مسلمانان بعضی از
گروه‌های اسلام‌گرا بیش از آنچه ریشه در واقعیت‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی داشته باشد، برخاسته از متون دینی و قرآنی های آن است (خسروی، 1382: 48).

اما مشکل اصلی اینجاست که نه فقط شرق شناسان و سیاستمداران غربی، بلکه برخی از اسلام‌گرا نیز همین روش‌کرد ایستا، ثابت و کلیک‌هایی را نسبت به احیای هویت اسلامی دانست که خود اسباب ضعف این جنبش می‌شود. کسانی که به پدیده اسلام‌گرایی نگاه خشک سیاسی و مادی‌سازی دارند، آن را مقوله‌ای ثابت، پایدار و جدا از واقعیت‌های اجتماعی و سیاسی در نظر می‌گیرند که گویی اساساً از محیط فرهنگی و اجتماعی متغیر نیست. حال آنچه هنجارها و ارزش‌ها نیز همانند سایر پدیده‌های انسانی در برخورد و تعامل با واقعیت‌های عینی بروند و تأثیر گذاری و تأثیر پذیری از آنها قدرت تأثیر گذاری و امکان تأثیر پذیری دارد (خسروی، 1391: 12). از این رو، درک درست و بهتر هویت اسلامی و راهبرد آمریکا در برابر آن، نظر آنچه که مکتب سازمان‌گاری پیشنهاد می‌دهد، مستلزم نگاه با رویکرد تلفیقی عینی فرهنگی، سیاسی و اجتماعی است. رویکرد تلفیقی می‌تواند علله بر تبیین علل ظهور پدیده مورد مطالعه، جرایی و چگونگی رشد و گسترش آن را توضیح دهد، مهم‌ترین محک برآی آسیب‌شناسی آن باشد و در جبران کمبود منابع و عوامل مادی با تکیه به جا بر ارزش‌ها، باورها و هنرجویان انسانی اسلام راه‌گشا باشد.
نتیجه‌گیری

آیا این نتایج ابتدایی این است که نگرانی وجود یک اقلیت مذهبی و فعالیت آن در کشور بوده و راه را برای پیشرفت و تحرک اجتماعی عمومی معطوف آن اینه به روش‌های گوناگون سبد می‌کند؟ مسلمان‌اند یا گونه نیستند، اما آنها نیاز به نظر پنهان بماند این است که اولاً آمریکا به عنوان داعیه‌دار آزادی و لیبرالیسم و دموکراسی باید شیوه‌ای مفروضباشند. آن دسته‌ای که کشورهایی که در توافق شاخه‌ای بهداشت بیاند به معناوی این امر که گروه‌های اقلیت یا این کشور فرصت نشود و نما می‌بانند. به‌طور کلی نهایی تصمیمی سازمان دسترسی دارند، به‌روشی نشان می‌دهد که این دوگانگی ناشی از انتخاب و تبعیض است، به‌طور اتفاق و تقلید.

اما لازم به ذکر است که در قیاس سیاست داخلی و سیاست خارجی آمریکا در مورد اسلام و مسلمانین خطوط مشابهی دیده می‌شود. تعزیز فرهنگی و معنایی یکی که به نیت حاکم و اشتغال با اسلام و به‌ویژه اسلام کشور آمریکا می‌شود، زمینه‌ساز سیاست‌های اسلام و مسلمانان، هم در عرصه داخلی این کشور و هم در عرصه بین‌المللی شده است. ارزش‌ها و هنگام‌های اسلامی از یک سو در داخل باعث زیر سوال رفتن فردگرایی، مادی گرایی و لیبرالیسم به عنوان مبادی فلسفی انسان عربی (آمریکایی) شده و به‌چای سرمایه‌سالاری، عدالت و بایگان اشراطی اجتماعی، برابری را می‌بینند و به دنبال افتخاب این در است. در حالی که جامعه آمریکایی مملو از رفاه و آسیب است، فرهنگ اسلامی با ردد مادی گرایی صرف بدنال کمال و آرامش است. علی‌رغم است می‌کند که این صدای ناهمسان، مفهوم سنتی فرانظری غربی به‌عنوان «شهروند» به مثابه موجود خردن‌صدی، به‌دنبال گردیده می‌باشد.

کسب حداکثر لذت است را زیر سوال می‌پردازیم.

از سوی دیگر، در عرصه بین‌المللی، به اعتراض استراتژیست‌های غربی، تنها قدرتی که می‌تواند شهروند ابتدایی با ایلات منفی و افزایش سیاستی و حتی نظامی برای این کشور به این‌جای نمایش نخواهد بود، اما با توجه به اهمیت فرهنگی، هنگام‌ها و ارزش‌های، تنها گروه‌هایی که این سیاست‌های ایدئولوژیک برای مقابله با هم‌نظامی آمریکا، را دارد اسلام است.

همان‌گونه که در بخش نظری تحقیق اشاره می‌شود، سازه‌انگاری با هستی‌شناسی ویژه خود از توجه صرف به تعاملات بین کشوری فراتر رفته و امکان تحلیل نقش آفرینی دیگر
کش گیران را مهیا می‌کند. این امر به روشنی چالش‌های پیش روی دولت مردان آمریکایی را تبیین می‌کند. ایالات متحده آمریکا که تا به حال در چارچوب نظام وست‌الپایی، حریفان خود را در میان «دولت – ملت» ها و انتلاف‌ها و اتحادها می‌جست، حال با رقیبی قدرتمند به نام هواپیماسلامی مواجه شده است که اساساً خواهان برهم‌زنی صحنه باید نفع سلطه، تحقق برای ملت‌ها و در نهایت احیای «اامت» به عنوان واحد تحلیل است. به آزمایش در شرایط کنونی، جامعه بین‌المللی فاصله‌ای دور تا تحقق این آموزه دارد. اما نخبگان حاکم در ایالات متحده به وخیسی درک کرده‌اند که اگر خواهان حفظ نظام اربیت‌سی - هنری تمامی طلبانه خود هستند، از هم اکنون باید برد با این جایگاه محتمل را آغاز کنند. نکته مهم این است که علم تلاقی‌های نظامی نو‌محافظه کاران طی سال‌های گذشته، فکر می‌کنند که حاکم بر کاخ سفید، تحت تأثیر درک‌نون از قدرت باورها و هنجرح (قدرت نرم)، مبارزه فرهنگی، معنایی و هنری با اسلام است. اینکه یادکاری‌های این مبارزه پیش‌بینی و در مقابل، مسلمانان داخل و خارج آمریکا چه خواهند کرد بحث دیگری است، اما آنچه در نهایت تأیید شد، فرضی مقاله حاضر بود که در این نکته تأکید می‌نمود که ایالات متحده برای حفظ بقای نظام بین‌الملل کنونی در هر دو عرصه سیاست داخلی و خارجی راهبردی معترض‌‌جویانه در برابر احیای هواپیماسلامی برگزاره است.
کتابنامه
آشنایی با گروه‌ها و شخصیت‌های اسلامی در آمریکا (1377هـ). تهران: انتشارات صداوسیما.

احمدی، بهزاد (1385هـ). "آمریکایی‌های مسلمان". پیام حوزه، شماره 188، صفحه 47-48.

خسروی، علیصدر (1386هـ). "اجتناب از انقلاب اجتماعی در آمریکا". پیام حوزه، شماره 188.


(نوبت مراجعه: 8 خرداد 1388هـ). "آمریکایی‌های مسلمان". پیام حوزه، شماره 188.


